

انتشارات انصار امام مہدی علیہ السلام عدد (۳۹)

بیان حق و سداد از طریق علم اعداد

(جزء دوم)

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾

احمد الحسن

وصی و فرستاده‌ی امام مہدی علیہ السلام

چاپ اول

۱۴۳۵ هـ.ق - ۲۰۱۴ م

مرداد ماه ۱۳۹۳ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://almahdyoon.co/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتاب:

جواب سید احمد الحسن وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) (یمانی موعود) به سؤالی است که نویسنده، استاد ماجد مهدی مطرح کرد، و سید احمد الحسن در این جواب حساب حروف با اعداد را به کار بردند، به خصوص جمع بزرگ و جمع کوچک، تا نویسنده آن را حتی اگر شده به طور اجمالی بفهمد و مسئله مبهمی برای وی نباشد. بعضی از نوشته‌های استاد ماجد مهدی که در کتابی تحت عنوان (آغاز جنگ امریکا علیه مهدی (علیه السلام)) را نقل می‌کنیم.

در فصل سوم کتاب می‌گوید: (و خواننده مصداق (علم حروف) را از خلال آنچه بعداً روشن می‌شود، می‌یابد. و اساس علم حروف این است که هر حرفی دارای ارزش عددی معینی است که صفتی برای آن حرف می‌باشد (یا آنچه روح آن خوانده می‌شود) که بر اساس ترتیب (ابجد هوز حطی و...) و این حروف:

۱ = ا	۱۰ = ی	۱۰۰ = ق	۱۰۰۰ = غ
۲ = ب	۲۰ = ک	۲۰۰ = ر	
۳ = ج	۳۰ = ل	۳۰۰ = ش	
۴ = د	۴۰ = م	۴۰۰ = ت	
۵ = هـ	۵۰ = ن	۵۰۰ = ث	
۶ = و	۶۰ = س	۶۰۰ = خ	
۷ = ز	۷۰ = ع	۷۰۰ = ذ	
۸ = ح	۸۰ = ف	۸۰۰ = ض	
۹ = ط	۹۰ = ص	۹۰۰ = ظ	

و حساب‌های حروفی زیادی موجود است. جمع حروف همان‌طور که گفته می‌شود (جمع با حروف بزرگ)، یا جمع حروف (تبدیل آن به اعداد جداگانه مثل حرف لام = ۳۰. اما تبدیل آن‌ها به رقم جداگانه با صرف ده‌گان آن می‌شود ل = ۳ و همچنین نسبت به ارقامی که صدگان داشته باشند، مرتبه صدگان حذف می‌شود مثلاً حرف ت = ۴۰۰ که می‌شود ت = ۴) این گونه جمع را (جمع کوچک) می‌نامند. در زیر مثال‌هایی برای مصداق بودن علم حروف ذکر می‌کنیم.

سؤال: ما هو كتاب الله. یعنی: كتاب خدا کدام است.

به هر حرف ارزش عددی را بر حسب جمع کوچک، می‌دهیم.

م + ا + ه + و + ک + ت + ا + ب + ا + ل + ل + ه

$$۳۷ = ۵ + ۳ + ۳ + ۱ + ۲ + ۱ + ۴ + ۲ + ۶ + ۵ + ۱ + ۴$$

جواب: هو القرآن الکریم. یعنی: آن قرآن کریم است.

هنگامی که ارزش حروفی جمله (هو القرآن الکریم) را جمع می‌بندیم، می‌بینیم که ارزش عددی همان خواهد بود.

ه + و + ا + ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل + ک + ر + ي + م

$$۳۷ = ۴ + ۱ + ۲ + ۲ + ۳ + ۱ + ۵ + ۱ + ۲ + ۱ + ۳ + ۱ + ۶ + ۵$$

الان می‌پرسیم: من هو محمد؟ یعنی: محمد کیست؟

م + ن + ه + و + م + ح + م + د

$$۴۰ = ۴ + ۴ + ۸ + ۴ + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$$

جواب: هو رسول الله. یعنی: رسول خداست.

ه + و + ر + س + و + ل + ل + ل + ه

$$۴۰ = ۵ + ۳ + ۳ + ۱ + ۳ + ۶ + ۶ + ۲ + ۶ + ۵$$

می‌بینیم که هر دو جمله دارای یک ارزش عددی هستند. از قرار معلوم که ارزش عددی برای اسم محمد در جمع بزرگ (۹۲) می‌باشد یعنی $۲+۹۰$ که در هنگام تغییر به جمع کوچک (۲+۹) می‌شود.

و اکنون دوباره می‌پرسیم:

من هو محمد: م + ن + هـ + و + (م + ح + م + د)

$$۴ + ۵ + ۵ + ۶ + (۲+۹) = ۳۱.$$

جواب: هو نبي الله: هـ + و + ن + ب + ي + ا + ل + ل + هـ

$$۵ + ۶ + ۵ + ۲ + ۱ + ۱ + ۳ + ۳ + ۵ = ۳۱.$$

این مثال‌های ساده امکان به دست آوردن آن‌ها هنگام عمل به این علم گسترده، وجود دارد...

سخن استاد ماجد مهدی به پایان رسید.

سید احمد الحسن به وسیله آنچه نویسنده خود را به آن پایبند کرده، جواب می‌دهد. و هر کس خود را با این جمع ملزم می‌داند بر او حجت بالغ و تام خواهد بود. از حجت این که به هر چه خود را ملزم می‌دانند بر آن‌ها حجت وارد کنید. و شاید دری از درهای هدایت مردمی باشد که از خلال این علم به دنبال حقیقت هستند چون راه‌های رسیدن به خدا به اندازه آدمیان است.

انصار امام مهدی (علیه السلام)

مکن الله له في الأَرْض

ق. ۱۴۲۶ هـ.

ش. ۱۳۸۴ هـ.

پاسخ نویسنده، ماجد المهدي

به جواب سيد احمد الحسن عليه السلام که در جزء اول اين کتاب منتشر شد

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس مخصوص خداست و درود بر سرور ما محمد و آل و خاندان مطهرش.

سيد احمد الحسنی سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

از جوابی که یمانی شما به نامه‌ای که برای شما فرستادم سپاس گزارم.

در ابتدا دوست دارم روشن کنم که گفته‌ام (سخنی که نه نفعی دارد و نه ضرری) نسبت به آنچه در سایت شما برای اثبات دعوت شما است، می‌باشد و نه نسبت به کتاب‌ها و مؤلفات بلکه همه مفید و خوب هستند و اما به هر حال ثابت نمی‌کند که شما وصی امام مهدی عليه السلام باشید و شما در جواب نامه من اقدام به آوردن احادیث و آیات کریمه قرآنی و تفسیر آن‌ها کردید که منطبق بر شما است. و این مسئله را مردم زیادی قبل از شما انجام دادند و چه کسی می‌گوید که سوره فاتحه همه چیزی که ذکر کردی در آن نیست، بلکه در آن اسم من و اسم شما و اسم صدام حسین و جورج بوش و امور بیشتر از آن‌ها وجود دارد. و شما به سؤالی که طرح نمودم، جواب ندادید و اقدام به نشان دادن آنچه از علم حروف می‌دانید، کردید و باعث تعجب است که شما برای اثبات وصی و فرستاده امام مهدی عليه السلام بودن خود و یمانی یا خود مهدی، به علم حروف استناد کردید. و لازم بود که خود را در ابتدا از طریق جواب سؤالم ثابت کنید که وصی امام مهدی عليه السلام هستید سپس آنچه را می‌گویید با علم حروف مستند کنی. سپس شما فرمودید که جواب: (من هو احمد... هو رسول المهدي) خواهد بود پس نظر شما درباره (من هو سعيد) و (من هو طاهر) و (من هو وعد) ده‌ها اسم که مجموع حروف آن‌ها (۱۷) می‌شود آیا همه آن‌ها فرستادگان امام مهدی عليه السلام هستند.

چقدر در دنیا انسان با نام احمد وجود دارد، چه دلیلی دارد که مقصود و منظور شما هستید؟ بعد، چگونه ممکن است که جواب ما هو کتاب الله یعنی: کتاب خدا چیست؟، (هو رسول المهدي) باشد!!! به خدا عجیب‌ترین چیزی است که تاکنون شنیدم!!! آیا شما کتاب خدا هستید!!! آیا شما قرآن کریم هستید؟

خیلی خوب اگر شما مدعی هستید که قرآن کریم هستید و شما آگاه‌ترین شخص زمان خود نسبت به قرآن هستید!!! به سؤال جواب دهید که (در سوره فاتحه دو اسم وجود دارند که پنهان هستند و یکی بر عکس دیگری است. و این دو اسم به غیر از چیزی که با آن شناخته می‌شوند، نوشته می‌شوند. این دو اسم چه هستند و چگونه استخراج می‌شوند) که این مسئله مهم است. هر چند به طور یقین می‌دانم سؤال را جواب نمی‌دهید. آیا معتقد هستید که خداوند مرا نسبت به شما به علت آشنا بودن با رازی از رازهای قرآن کریم، برتری داده و شما را که کتاب او (خدا) و رسول امام مهدی علیه السلام هستید، آگاه نکرده است!

خواهش می‌کنم که نسبت به خدا و مردم ساده‌ای که از شما پیروی می‌کنند، تقوی پیشه کنید چون که در روز قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرید. و از آن چه به مذهب از قبیل بی‌احترامی و بد نام کردن رسیده است ما را کفایت می‌کند و شک ندارم که در آینده‌ای نه چندان دور ادعای مهدویت می‌کنی.

و سپاس خدای جهانیان که ما را به این امر هدایت نمود و اگر خدا هدایت نمی‌کرد، هدایت نمی‌شویم و درود خداوند بر سرور ما محمد و خاندان پاکش باد.

ماجد المهدی

پاسخ فومری انصار امام مهدی علیه السلام به جواب قبلی ماجد المهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

ما انصار امام مهدی علیه السلام که ما را با صفت ساده لوح مورد خطاب قرار دادی به شما می گوئیم: جواب شما از طرف فرستاده و وصی امام مهدی علیه السلام و قرآن ناطق حق **احمد الحسن** خواهد رسید. ولی، او را به کر و لال و کوران و کسانی که نمی فهمند کاری نیست و آرزو می کنیم که از جمله آن ها نباشی ولی شما به عدم اعتراف خود که امام مهدی علیه السلام رسولی می فرستد، جواب ندادید و شما در کتاب خود نوشته اید که امام مهدی علیه السلام، فرستاده ای می فرستد، و ادعاء کردی که در علم حروف مطالبی می نویسی و آنچه را که نمی دانی درباره آن می گویی که هیچ بهایی ندارد و شما به اشتباه حرفی را به **احمد الحسن** اضافه می کنی و می گویی الحسنی. آری، ایشان حسینی مهدوی قائم به حق است، شما حتی صحیح نوشتن آن را نمی دانی پس چگونه قضاوت می کنی؟

و اگر سید علیه السلام جواب شما را بدهد ایمان می آوری؟

سید از میان سخنان جواب شما را داده که قوی ترین و شدیدترین ابزار شکست است که راه فراری از آن نیست.

این جواب انصاری است که آن ها را ساده لوحان خطاب کردی به خدا قسم شما ساده لوح هستی و همان طور که امثال شما، پیروان پیامبران را اراذل و اوباش مورد خطاب قرار دادند. از میان ما کسانی هستند که به علوم دینی و دنیا آگاه هستند و ما ساده هستیم چون در زمین مجهول و در آسمان همان طور که اهل بیت علیهم السلام فرمودند، معروف هستیم ولی آن که به خدا متعلق است ما را مجهول نمی داند.

انصار امام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام

و خداوند دینی مرا که مورد رضای اوست برای وی قرار دهند .

جواب ماجد المهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

و سپاس خدای جهانیان و درود بر سرور، محمد و خاندان پاکش.

آقایان انصار امام مهدی- سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

از جواب شما به نامه من سپاس گزارم و از اشتباهی که نوشتم (سید احمد الحسنی) و درست آن

(سید احمد الحسن) می باشد- معذرت می خواهم.

بله، و از ساده ترین هستم و جاهل ترین فرد می باشم و علمی ندارم مگر همان گونه که خداوند

می فرماید: (و از علم به جز اندکی، به شما داده نشده است) اما اگر از کران و کوران باشم این مسئله

را هنگامی که جواب سید احمد الحسن دریافت می کنم می خواهم بدانم تا برای شما و من واضح شود

که ایشان حق است.

ماجد المهدی

Almahdion2022@yahoo.com

۲۳ / ۱ج / ۱۴۲۶ ه.ق.

۹ / تیر ماه / ۱۳۸۴ ه.ش

جواب سید احمد الحسن علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و درود بر ما و بر بندگان صالح خدا.

نه برای امر خدا تعقل می کنید و نه از اولیای او حکمت بالغه قبول می کنید پس هشدار دادن چه فایده‌ای دارد.

۱. شما می گوئی که دلایل وارده که در سایت در مجموعه‌ای از کتب-از جمله- (رسالت آشکار) آمده است، هیچ ارزشی ندارند.

(الف). صدها رؤیای صادق به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام که مؤمنان دیدند که فرمودند: سید احمد الحسن حق است و غیر از ایشان باطل.

(ب). شناختن محکم و متشابه قرآن و علم و حکمت.

(ج). مکاشفه در بیداری نزد مؤمنان و دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام.

(د). وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در آن با اسم و صفت مرا ذکر کرده است.

(هـ). روایات اهل بیت علیهم السلام که مرا در آن‌ها ذکر نمودند.

(و). استخاره به قرآن کریم. و خداوند هر که از او نصیحت بخواهد، فریب نمی دهد.

(ز). دعوت به حق و راه مستقیم و اقرار به حاکمیت خدا در مقابل دعوت همه- و از جمله علمای

شیعه امروزی- به باطل و گمراهی و مخالفت حاکمیت خدا و اقرار به حاکمیت مردم و فکر دموکراسی و انتخابات.

(ح). خیرهای غیبی و معجزات.

(ط). دعوت از علماء برای مناظره و همچنین اهل کتاب با کتاب خود، یعنی اهل قرآن با قرآن و

اهل تورات با تورات‌شان و اهل انجیل با انجیل‌شان مناظره می کنم.

(ی). دعوت به مباحله.

(ک). دعوت به قسم براءت.

(ل). دعوت از بزرگان علمای شیعه برای طلب معجزه... و... و... آیا همه این موارد مشکلی را

حل نمی کند و ارزشی ندارند. بنابر این شما نه به پیامبر صلی الله علیه و آله و نه به وصی ایمان نداری و نزد شما

رسالت‌های آسمانی ثابت نشده است. بلکه دلایل انبیاء و فرستادگان و به خصوص ائمه (علیهم‌السلام) هیچ ارزشی نزد تو ندارند چون دلایل من مانند ایشان است و از طریق آنها برای اثبات دعوت آنها تجاوز نمی‌کند و ائمه (علیهم‌السلام) خیر دادند که صاحب حق با وصیت و دانستن محکم و متشابه شناخته می‌شود.^(۱) و بعد از این همه انتظار دارند ظاهر شوی،... و برای آنها با دلیل روشن کنی که دلائل دعوت ارزشی ندارد و برای آنها، بی‌فایده بودن آنها را روشن کنی تا پیروی نکنند و اگر روشن نکنی برای خود صفتی را از میان اوصاف در زبان عربی پیدا کن.

۲. شما می‌گوئی: (من تنها احادیث را آوردم، با این که احادیث را با حدودهای آنها اقامه کردم و مقصود از آنها را به شکل واضح برای هر حق‌طلبی روشن ساختم. هم اکنون از شما دعوت می‌کنم که احادیث را با حدود آنها بیاورید و مقصود از آنها را بیان کرده و توضیح دهید که چگونه من اقدام به املاء کردن آنها کردم).

سپس گفتی: (این دعوت حق از طرف دیگران هم ادعاء شده است). و من شما را به مبارزه می‌طلبم که شخصی غیر از من بیاورید که ادعاء کرد که وی مهدی اول و یمانی و وصی امام مهدی (علیه‌السلام) می‌باشد و این ادعاء را از خلال احادیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) آورده باشد و اگر حداقل یک دلیل نیابوری مصداق این آیه خواهی بود: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ

۱ - الحرث بن المغیره می‌گوید به امام صادق عرض کردم: (صاحب این امر با چه چیزی شناخته می‌شود؟ فرمود: با سکینه و وقار و علم و وصیت). بصائر الدرجات: ص ۵۰۹ - الخصائص: ص ۲۰۰ - الإمامة والتبصرة ص ۱۳۸.
- امام صادق می‌فرماید: (... صاحب این امر با سه خصلت شناخته می‌شود که در هیچ کس نمی‌باشد. او نسبت به قبل از خدا سزاوارتر است و وصی اوست و نزد وی سلاح رسول خدا (علم) و وصیت رسول خداست). الکافی: ج ۱ ص ۴۲۸، اثبات الهداة ج ۱ ص ۸۸.

- جابر الجعفی در روایتی طولانی از امام باقر (علیه‌السلام) نقل می‌کند که فرمودند: (ممکن است همه چیز برای شما مورد اشکال واقع شود مگر عهد رسول خدا و پرچم و سلاح او... و آگاه باش که به دنبال جدا شدگان از اهل بیت نباشی چون که برای محمد و آل علی پرچیست و برای بقیه پرچمها. آرام بگیر و به دنبال کسی نرو تا این که مردی از فرزندان حسین بیاید که با او عهد رسول الله است، سپس به محمد بن علی رسید و خدا هر چه بخواهد می‌کند. سپس به این‌ها تمسک بجو و از آنچه گفته آگاه باش اگر مردی از آنها همراه با سیصد و اندی مرد خارج شد و همراه وی پرچم رسول خدا باشد...). تفسیر العیاشی ص ۶۵ - بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۲۲.

ابی‌الجارود از امام باقر (علیه‌السلام) نقل می‌کند که به ایشان عرض کردم: (فدایت شوم اگر عالمی از اهل بیت برود با چه چیزی کسی که بعد از وی می‌آید، شناخته می‌شود؟ فرمود: به هدایت و سکینه و اقرار اهل بیت به فضل او و از وی چیزی پرسیده نمی‌شود مگر جواب آن را بداند). بصائر الدرجات ص ۵۰۹ - الخصال ص ۲۰۰ با اختلاف بیشتر.

كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿١﴾.

(ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند؛ پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!).

اما سخن شما که گفتی: (چه کسی می گوید که در سوره فاتحه آنچه را که ذکر کرده نیست، بلکه در آن اسم من و اسم شما و اسم صدام حسین و جورج بوش... می باشد).

نمی گویم که همه چیز به طور تفصیلی در فاتحه وجود دارد و این باطل است. فاتحه علم همه چیز را در خود دارد ولی نه به صورت تفصیلی و ظاهراً شما آنچه را که نوشتم نخواندی تا روشن شود که چگونه اسم محمد ﷺ و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) در فاتحه وجود دارند آن هم نه با محاسبه و وارونه کردن کلمات، آن گونه که شما می خواهید بلکه با دلایلی از اهل بیت (علیهم السلام).

اما اسم شما و اسم هدام (صدام) خراب کار و بوش کافر که ادعاء می کنی در سوره فاتحه موجود است این ادعاء غیر صحیح است، مگر این که تحت عنوان خاصی و معنی کلی در مورد فاتحه باشند و آن هم (المغضوب علیهم) باشد.

اما این که ادعاء کردی که سؤال کردی و جواب ندادم، این سؤال نبود بلکه عناد و لجبازی است و برای شما روشن کردم که آنچه انجام می دهید تنها وارونه کردن کلمات یا بعضی حساب های باطل و غیر صحیح است، پس چگونه از من می خواهی وارد باطل شوم تا به سؤال باطل شما جواب دهم؟! **۳. گفتی: (عجیب است که شما استناد به علم حروف می کنید...).**

سبحان الله. انسان اگر خود را محترم ندانست تا این که... بشود، می بینی که از آن چه ساعتی قبل نزد وی الفت گرفته بود تعجب می کند و خود را به چپ و راست می زند تا روشن کند که از آن چه ساعتی قبل با آن الفت گرفته بود و آن را دلیل و بلکه دلیل همه ادله می دانست، تعجب می کند.

در کتاب شما با عنوان (آغاز جنگ امریکا علیه امام مهدی (علیه السلام) در فصل چهارم گفتید (اثبات علمی ریاضی دلیل ادله است) و منظورت علم حروف است. پس بدان ای آن که تعجب می کند و تعجب بر می انگیزد، تا دوباره تعجب کنی: این دعوت حق سالیان سال وجود داشته و با علم حروف استناد نمی کند تا ثابت کند من وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) و یمانی موعود هستم. بلکه شما خود

را ملزم به آن (علم حروف) کرده و حجت خود را در این علم نهادی و من تو را به آنچه خودت را ملزم می‌دانی، ملزم می‌کنم و اگر طالب حق باشی آنچه در جواب نامه قبل گفتم برایت کافی بود. اما این که گفتمی من ادعای کردم که امام مهدی (علیه السلام) هستم بهتانی واضح می‌باشد و مخالف دهها بیان است که از طرف من صادر شده است. که در این بیانات می‌گویم من از نسل امام مهدی (علیه السلام) و وصی او هستم و من مهدی اول از فرزندان امام مهدی (محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام)) حاتم فدای او باد، هستم. این چه مغالطه‌ای است و چرا تهمت می‌زنید و سخن دروغ می‌گویید؟

۴. پس گفتید: (برای شما واجب است که با جواب به سؤال من ثابت کنید که وصی امام هستید)

و در جواب قبلی در مورد چهارم، جواب شما را دادم و بطلان آنچه ادعا می‌کنی را روشن ساختم و شما راه‌های باطل زیادی را به کار می‌بندید و نتایج پیچیده خواهد بود و هیچ حجتی ندارید و این امر باطل در کتاب شما و افکاری که در سر شما است وجود دارد. و من (پناه می‌برم از منیت) وقت زیادی برای روشن کردن در هم بودن مطالب موجود در کتاب شما ندارم که آن همه به علت جهاد کردن علیه نیروهای آمریکایی کافر و پیروان فاجر آنها که بلاد مسلمین را به نابودی کشاندند ولی برای شما این امکان وجود دارد که با برادران انصار در ارتباط باشید تا یکی از آنها موارد باطل و متناقض موجود در کتاب را برای شما روشن کند.

آن گونه که شما خیال می‌کنی و بر اساس آن حساب‌های خود را بنا می‌نهی و نه ترتیب آیات. و در جایی ناسخ و منسوخ تقدم دارد و مدنی بر مکی و... و کسی که این ترتیب را برای مردم درست کرد عثمان بن عفان بود و چون عبدالله بن مسعود اعتراض کرد او را مورد ضرب و شتم قرار داد چرا که مصحف وی با مصحف عثمان که اقدام به سوزاندن بقیه مصاحف و از جمله مصحف ابن مسعود کرد، اختلاف داشت با این که رسول خدا ﷺ فرموده بودند: (هر کس بخواند قرآن را تازه و رسیده بخواند بر اساس قرائت ابن ام عبد یعنی عبدالله ابن مسعود بخواند).^(۱)

اما آنچه شما خیال کردید این است که این ترتیب الهی است. و بدان که مردی تُرکی که آشنایی کمی با زبان عربی دارد و در نوشتن کلمات اشتباه کرده و مسلمانان آنها را همان‌طور که هست به اجرا در آوردند، و به اشتباه کلمه سابغات را (سبغت) و صلاة را (صلوة) نوشت و این اشتباه‌ها را به عنوان آیاتی الهی تصور کردی و بر اساس آنها حساب کردی خود را پایه‌گذاری کردی و گفتمی که

۱- شرح الأزهار: ج ۱ ص ۲۶- السیوطی سرخسی ج ۶ ص ۱۲۴- بدائع الصنائع ج ۳ ص ۵۵- الهدایة الکبری ص ۹۲.

به اسرار قرآن آگاهی پیدا کردی.

پس شخصی مثل شما حروف مقطعه (طس) را در اول سوره نمل این گونه تفسیر کرده است (الطاء: تعطیل کردن و السین: غسل) - بر اساس ادعای وی- چون در اول سوره نمل، و مورچه زندگی در دانه‌ها را از بین می‌برد و آن را تقسیم می‌کند) یا واجب است که (ط) (را این گونه تفسیر کنم تا با آنچه در سر وی می‌گذرد موافق بوده و به نظر خود حق باشم؟!).

و اگر می‌خواستی که برای شما بطلان آنچه شما آن را به عنوان سر نگه داشتنی ثابت کنم. آنچه داری را ظاهر کن تا بطلان آن را بیان کنم. و این در حالی است که نیاز به بیان کردن باشد و نه این که واضح باشد که باطل است و اگر به دنبال حق هستی بدان که بسمله فاتحه خود در قرآن کریم است. و برای این در، ظاهر و باطنی وجود دارد.

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾^(۱).

(روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم!» به آنها گفته می‌شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب!).

اما باطن یا رحمت، بسم الله الرحمن الرحيم است و اما ظاهر یا عذاب و نقيمت، بسم الله الواحد القهار است که بسمله توبه است که جاهلان تصور می‌کنند بدون بسمله است و بلکه خداوند از او به رحیم بودن نسبت به مؤمنان ذکر کرده است پس بدان که خداوند خود، از کافران انتقام می‌گیرد و همان‌طور که از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) پرسیده شد که (عدل چیست؟ فرمود: قرار دادن اشیاء در موضع خود. سؤال کردند ظلم چیست؟ آن را توصیف کرد یعنی بر عکس وصف عدل است).

و این دو اسم در فاتحه می‌باشند و این بسمله توبه در فاتحه است. و اضافه می‌کنم که بسم الله الرحمن الرحيم یک تجلی در میان خلق دارد بنابراین تجلی الله، محمد (صلی الله علیه و آله) و تجلی الرحمن، علی (علیه السلام) و تجلی الرحيم، فاطمه (علیها السلام) است.

بنابر این (الله) مدینه کمالات الهی است و در آن الرحمن الرحيم است و محمد (صلی الله علیه و آله) شهر علم و دروازه آن علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) است که سه رکن هدایت هستند همان‌طور که (الله، الرحمن،

الرحیم) ارکان اسم اعظم هستند.^(۱)

۵. و گفتمی که نقض بر (من هو احمد... هو رسول المهدی) با (من هو سعید، طاهر وعد) که مجموع حروف آنها ۱۷ است، وارد می‌باشد.

بنابر این نقض (من هو محمد... هو رسول الله) با من هو فلان و فلان و فلان) صحیح خواهد بود و همچنین بر اساس حساب‌های علم حروف این تناقضها صحیح خواهد بود پس چگونه با آن استدلال می‌کنی و چگونه به وسیله آن به دنبال حق و بیان آن هستی!؟

و شما با نقض کردن این مسائل بطلان علم حروف را نزد خود به طور کلی نقض کردی اگر به صحت نقض خود ایمان داری!

با توجه به این که شما هیچ نقضی را وارد نکردی و همه این اسامی مال من هستند. بنابراین من سعد النجوم و ستاره صبح و سپر داوود و من آن پاک زاده و وعده خداوند هستم.

و گفتمی: (در این دنیا افراد زیادی هستند که نامشان احمد است چه دلیلی دارد که منظور شما

هستید؟) هم‌چنین بر اساس نظر شما اهل کتب آسمانی حق دارند اعتراض کنند که خداوند محمد ﷺ را در کتاب‌هایشان ذکر کرده، فایده‌ای نداشته بلکه بر اساس اعتراضات آنها کاری بیهوده است. وحاشا لله و پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت از کار بیهوده و لغو که بدون آن که بدانی یا ندانی را متهم کنی.

با توجه به این که آنها نه تنها اسم بلکه اسم و صفت، مسکن را ذکر کردند. آیا معقول است که همه این موارد در یک شخص جمع شود و وی محکم و متشابه قرآن را بداند، و اهل قرآن و تورات و

انجیل را به مبارزه بطلبد و صدها نفر در رؤیا رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت و پیامبران و رسولان ﷺ را ببینند که این شخص را تأیید کنند و به حقانیت وی اقرار کنند. و ملکوت آسمان‌ها وی را تأیید کند

و این شخص در زمانی بیاید که همه می‌گویند عصر ظهور است و روایات وارده از اهل بیت ﷺ را بداند و تعارض موجود بین آنها را حل و فصل کند و... و گفته شود که شاید شخص دیگری بیاید

که اسم وی احمد باشد و دارای همه این صفات در آخر الزمان باشد و شخص مقصود در روایات و وصیت رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ وی می‌باشد^(۲) آیا این عناد و ستیزه‌گری نیست؟ سپس، آیا این

۱- برای آشنایی بیشتر به متشابهات و گزیده‌ای از تفسیر سوره فاتحه مراجعه کنید.

۲- امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: (حق را به باطل تغییر ندهید... خداوند قومی از یهود را مورد خطاب قرار داد که ادعاء کردند محمد ﷺ پیامبر و علی (علیه السلام) وصی اوست ولی اکنون نمی‌آیند بلکه ۵۰ سال دیگر خواهند آمد). مدینه المعجز- سید هاشم البحرانی ج ۱ ص ۴۷۸.

کار را یهود با حضرت عیسی (علیه السلام) انجام ندادند و اکنون منتظر آمدن حضرت مسیح (علیه السلام) هستند در حالی که او را تکذیب نمودند؟!

۶. گفتی: (و اگر چه به طور یقین می‌دانم به این سؤال جواب نمی‌دهی...).

روشن کردم که در مورد چهارم سؤال قبلی جواب دارم و آنچه در سر تو می‌گذرد باطل است و من وارد باطل نمی‌شوم مگر این که باطل اعلام شده و بر من واجب باشد به آن پاسخ دهم و فساد بودن آن را روشن کنم آن هم از باب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. و دلیل من دائماً از قرآن و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) است. بنابر این قرآن و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) شعار و مأوی من هستند.

۷. سپس گفتی: (تقوا پیشه کن).

از خداوند می‌خواهم که مرا از پرهیزکاران قرار دهد و مرا آزاد کند و برای خود درست نماید که وی کریم و رئوف است و از جهانیان بی‌نیاز.

۸. سپس گفتی: (و جمعی از ساده لوحان به دنبال تو افتادند).

اگر منظور شما از ساده لوحان کسانی هستند که تواضع دارند، این امر برای آن‌ها عزت و شرف است ولی شما در مقابل اعتراض هستید و به دلیل این که آن‌ها مرا به عنوان این که ادعا کردم فرستاده و وصی امام مهدی (علیه السلام) هستم تصدیق کردند، مورد اهانت قرار می‌دهی هر کس که سخن شما را بشنود در می‌یابد که منظور شما این است: ﴿وَمَا تَرَاكَ أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّبِ الرَّأْيِ﴾^(۱)، (و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز گروهی ارادل ساده لوح، مشاهده نمی‌کنیم).

و بدان که، اهل بصیرت و قلب‌های پاک از من پیروی کردند که این امر کافی است و اگر شما جز دنیا و حساب‌های بی‌ارزش آن را نمی‌دانی، بدان که بیشتر آن‌ها اساتید دانشگاه و دارای مدارک عالی در علوم و رشته‌های مختلف و مهندسی می‌باشند و دارای جنبه دینی وسیعی هستند و بیشتر آن‌ها را شیوخ و سادات در حوزه نجف می‌باشند که در حوزه علمیه قم و نجف تدریس می‌کنند و بیشتر آن‌ها مانند سید حسن حمامی فرزند مرحوم سید محمد علی حمامی معروف به علم و فضیلت هستند اینان کسانی هستند که جناب‌عالی آن‌ها را ساده لوح و پست می‌نامی.

۹. و گفتی (آنچه به مذهب از قبیل دشنام و تخریب و جهد رسیده کافی است).

چه کسی به مذهب حق اهانت می کند؟!

کسی که با نیروهای کافر امریکای اشغالگر مبارزه می کند و جهاد با آنها را واجب می داند و کسی که به حاکمیت خدا اقرار می کند و غیر از معصوم و قرآن را نمی پذیرد و قرآن و رسول خدا ﷺ و ائمه (علیهم السلام) را شعار و مأمن خود می داند و از آنها نه در قول و نه در فعل پیشی نمی گیرد و کسی که به دنبال یاری رساندن به امام مهدی (علیه السلام) و بیعت گرفتن برای وی می باشد و یاران او را جمع می کند و به زهد در این دنیا و توجه به آخرت و تلاش برای آن دعوت می کند؟ یا آن که با نیروی امریکایی همسان شد و به دموکراسی و حاکمیت مردم و انتخابات اقرار کرده و قانونی را که مردم وضع کردند را قبول نموده است، به مذهب حق اهانت می نماید؟

ولی عجیب نیست، قبلاً هم فرعون درباره موسی (علیه السلام) گفت:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ

الْفَسَادَ﴾. (۱)

(و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من

می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!«).

۱۰. گفتی: (و من شکی ندارم که به زودی ادعای مهدویت می کنید).

شما شک را نفی کردید سپس به یقین رسیدید؟ که این بهتانی روشن است و در سخن خود آن را ذکر کردی و جواب دادم که نمی گویم و نخواهم گفت که من امام مهدی (علیه السلام) هستم بلکه من مهدی اول از فرزندان او و فرستاده و وصی و یمانی هستم و بدان که بهتان دروغ را به همراه دارد. و رسول خدا ﷺ هر کس را که تکذیب کند از جرگه ایمان بیرون کرده است.

۱۱. (و اگر همان طور که ادعا می کنی، که به طور قطع و یقین و قطع سرتی را از اسرار کتاب

خدا می دانی و به طور یقین می دانی که من از آن سرتی نا آگاهم و در آخر به طور یقین می دانی که من فرستاده امام مهدی (علیه السلام) نیستم.

و اگر همان طور که ادعای می کنی که شک نداری و...).

و من (و از من به خدا پناه می برم) از شما که یقین داری، دعوت می کنم که با یقینت اکنون عمل

کن و این قسم را که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده، بخور و بگو: (من فلانی فرزند فلانی از حول و

قوت خدا به قوت و حول و قوه میرا هستم و احمد الحسن بر روی حق و فرستاده و وصی امام مهدی (علیه السلام) و یمانی موعود است سپس می‌گویی خدایا اگر احمد الحسن وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) است بر من عذابی دردناک نازل کن.^(۱)

۱۲. علماء و طلاب حوزه علمیه را دعوت کردم که کتاب‌های متشابهات که بیشتر از یک سال (سال انشار این کتاب) از صدور آن می‌گذرد، ردی بنویسند.

و اکنون من شما را همان‌طور که همه مسلمانان و علمای آن‌ها را دعوت به رد حتی یک مسئله که آن را تفسیر کردم، می‌نمایم و من بنده، فقیر و محتاج به رحمت خداوند با چند کلمه از شما رد می‌خواهم.

معنی: (اللهم صل علی محمد و آل محمد) چیست و علت این که از خدا می‌خواهیم که: (اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم) چیست؟

۱- این قسم معروف به قسم برائت است. شیخ کلینی با سندی از صفوان جَمَّال روایت نموده است که گفت: (من برای مرتبه دوم ابو عبدالله امام صادق (علیه السلام) را به کوفه می‌بردم و ابو جعفر منصور در آنجا بود. هنگامی که حضرت بر هاشمیه (شهر جعفر منصور) اشراف پیدا کرد پایش را از رکاب بیرون آورد و پیاده شد و یک قاطر سفید طلب نمود، و لباس سفیدی در بر کرد، و کمر بند سفیدی بر روی آن بست. و چون بر منصور وارد شد او به حضرت عرض کرد: آیا خودت را به پیامبران شبیه گردانیده‌ای؟! حضرت فرمود: چه وقت تو مرا از فرزندان پیامبران جدا می‌کنی؟! منصور عرض کرد: من بر آن شده‌ام که به مدینه بفرستم کسی را که نخل آنجا را ببرد، و اطفال را اسیر گرداند. حضرت فرمود: به چه سبب؟! منصور عرض کرد: به من چنین رسیده است که: نماینده و مدیر عامل تو مُعَلَّى بن حُئیس مردم را به سوی تو فرا می‌خواند، و اموال را برای تو گرد می‌آورد. حضرت فرمود: والله چنین چیزی نیست! منصور عرض کرد: من سوگند به خدا را از تو نمی‌پذیرم، و به سوگندی تنازل نمی‌کنم و راضی نمی‌شوم مگر آن که سوگند به طلاق و عِتاق و هَدَی و مَشْی باشد. حضرت فرمود: آیا تو مرا امر می‌کنی که به شریکان خدا سوگند بخورم و سوگند به خدا نخورم؟! حَقّاً و تحقیقاً کسی که به خدا راضی نگردد، هیچ نصیبی از خدا نخواهد داشت. منصور عرض کرد: برای من فُقُهَت را غلبه می‌دهی؟! حضرت فرمود: چگونه مرا از فقه دور می‌پنداری با وجودی که من پسر رسول خدا ﷺ می‌باشم؟! منصور عرض کرد: من میان تو و میان آن کس که سعایت از تو نموده است جمع می‌کنم. حضرت فرمود: این کار را بکن! منصور عرض کرد: تا آن مرد ساعی آمد. حضرت فرمود: ای مرد آیا چنین بوده است؟! آن مرد گفت: آری سوگند به خداوندی که معبودی غیر از او وجود ندارد، و او به باطن و آشکارا عالم است، و دارای اسم رحمن و رحیم می‌باشد، تو آن کار را انجام داده‌ای! حضرت فرمود: ای وای بر تو! تو که خدا را با جلالت و عظمت یاد می‌کنی خدا از عذاب کردن تو خجالت می‌کشد، ولیکن این‌طور بگو: من از حَوْل و قُوّه خدا بیرون شدم و به حَوْل و قُوّه خودم در آمدم! چون آن مرد نَمَام و سخن‌چین با این عبارت سوگند یاد کرد، هنوز سوگندش به آخر نرسیده بود که مرده بر روی زمین افتاد. منصور به حضرت گفت: از این پس، سخن هیچ کس را که بر علیه تو چیزی بگوید تصدیق نمی‌کنم، و جائزه نیکویی به حضرت داد، و او را مراجعت داد. الکافی ج ۶ ص ۴۴۵.

و بر عکس به طور علمی از این تفسیر مسأله‌ای که هر روز از ۱۴۰۰ سال پیش نماز تکرار می‌کنید، عاجز ماندید و معنای آن را نمی‌دانید و آن هم صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. و از این طریق غنای من به وسیله خدا از شما و فقر شما و احتیاج شما به من واضح می‌شود. چه بخواهید و چه نخواهید حجت خود را با همان روش پدرانم الْبَلَاءِ بر شما ثابت کردم و لعنت خدا بر هر حسود متکبر که به روز حساب ایمان ندارد، باد.

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾. (۱)

(یا این که نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آن چه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز)، کتاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها [= پیامبران بنی‌اسرائیل] قرار دادیم).

و از آن جا که استدلال نسبت به تو با علم حروف تعجب کردی با این که شما با علم حروف استدلال می‌کنید (اثبات علمی ریاضی بهترین و پدر ادله است) فصل چهارم کتاب، بنابر این به معلومات شما می‌افزایم و بعضی از این محاسبات را برایت می‌فرستم تا عجب و عناد و تکبر خودت را نسبت به خدا و اولیاء او زیاد کند.

۱. عدد جند الله (سپاه خدا) و عدد آل محمد را حساب کن هر دوی آنها ۲۴ خواهد بود.

ج ن د ا ل ه

۳ + ۵ + ۴ + ۱ + ۳ + ۳ + ۵ = ۲۴ جمع کوچک

ا ل م ح م د

۱ + ۳ + ۴ + ۸ + ۴ + ۴ = ۲۴ جمع کوچک

از طریق این حساب خواهد دید که جند الله، آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند و عدد آنها ۲۴ نفر هستند که ۱۲ امام و ۱۲ مهدی که در وصیت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذکر شده‌اند.

۲. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ﴾، (۲) (وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... * که آنان

۱- النساء: ۵۴.

۲- الصافات: ۱۷۳-۱۷۱.

یاری شدگانند،* و لشکر ما پیروزند!).

این آیه وعده الهی به پیامبران که نصرت و پیروزی با قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است را ذکر می کند. و اکنون که آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ جند الله هستند و ۲۴ نفرند (۱۲ امام و ۱۲ مهدی) بایستی که سپاه خدا پیروز باشد. وی یکی از آنهاست یعنی: با ظهور یکی از آنها در عالم جسمانی، و واضح است که تحقق یاری خدا و پیروزی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ با ظهور مهدی اول و مؤمن اول همانطور که در وصیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حدیث امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است، تحقق پیدا می کند. چون وی او عده ۳۱۳ نفر است و جمع را به کار برده است با این که وی یک امت همانطور که خداوند ابراهیم را یک امت می نامید همان طور که در ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ را به صورت جمع به کار برده، در صورتی که کسی که زکات داده و رکوع کرده علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده است.

اکنون احمد الحسن را با (جندنا الغالبون) حساب کن هر دو در عدد ۴۰ مساوی هستند.

ا ح م د ا ل ح س ن

$$۴+۴+۸+۱+۳+۱+۵+۶=۴۰ \text{ جمع کوچک}$$

ج ن د ن ا ل غ ا ل ب و ن

$$۱+۵+۴+۵+۳+۱+۳+۱+۱+۳+۲+۳+۱+۶+۵=۴۰ \text{ جمع کوچک}$$

برای شما آشکار شد که (جندنا الغالبون) با (احمد الحسن) مساوی است یعنی نصر خداوندی و نصر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ با آمدن آن شخص در این عالم جسمانی تحقق پیدا می کند. و بدان که درباره عدد (۴۰) سخن دراز است. و در این کلمات (جندنا الغالبون) کلامی عظیم است.

۳. در سوره دخان خداوند خبر از عذابی می دهد که قبل از قیامت کبری واقع می شود و به آن مربوط نیست بلکه از بین می رود و زندگی پس از آن تا قیامت کبری ادامه خواهد داشت و این رود (عذاب) مربوط به قیامت صغری و متصل به آن است. و آن قیام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است و عذاب نازل نمی شود مگر بعد از فرستادن فرستاده. خداوند می فرماید:

﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^(۱) (و ما هرگز عذاب نخواهیم کرد، مگر آن که رسولی

بفرستیم).

این رسول کیست که قبل از عذاب فرستاده می شود؟ تا آنجایی که این عذاب به علت تکذیب این رسول توسط مردم، نازل می شود خداوند می فرماید: ﴿أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿١﴾ (چگونه: و از کجا متذکر می شوند با این که رسول روشن گر به سراغشان آمد! * سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته ای دیوانه است!» * ما عذاب را کمی برطرف می سازیم، ولی باز به کارهای خود باز می گردید!).

بنابر این خداوند وی را رسول و مبین یاد کرد، و کلمه رسول مبین در قرآن فقط یک بار ذکر شده و آن هم در سوره دخان.

و اکنون حساب کن:

احمد الحسن را رسول مبین خواهی دید:

ا ح م د ا ل ح س ن

$$۱+۸+۴+۱+۳+۸+۶+۵ = ۴۰ \text{ جمع کوچک}$$

ه و ر س و ل م ب ی ن

$$۵ + ۶ + ۲ + ۶ + ۳ + ۴ + ۲ + ۱ + ۵ = ۴۰ \text{ جمع کوچک}$$

برای شما روشن شد که احمد الحسن، رسول مبین است که در سوره دخان ذکر شده، و آن هم با اثبات علمی ریاضی که شما آن را پدر ادله نام نهادی.

آیا همه این موارد تصادفی هستند ای کسی که تصادفی بودن را در کتاب خود قبول نداری؟!

احمد الحسن

جمادی ۱ / ۱۴۲۶ ه.ق

خرداد ماه ۱۳۸۴ ه.ش

توجه: اصل مطالب به دلیل لزوم تطابق اعداد و حروف ، با نربان عربی ذکر شده است .

● ما اسم وصي المهدي = احمد الحسن

م ا س م و ص ي ال م ه د ي

$$40 = (9) + (16) + 4 + 6 + 1 + 4$$

ا ح م د ا ل ح س ن

$$40 = 5 + 6 + 8 + 3 + 1 + 4 + 4 + 8 + 1$$

● سابغات: که سپر داوود، ستاره شش ضلعی و ستاره صبیح است.

س ا ب غ ا ت

$$15 = 4 + 1 + 1 + 2 + 1 + 9$$

که رقم مهدی اول بعد از ۱۴ معصوم علیهم السلام است. و ایشان محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و ائمه علیهم السلام از فرزندان علی علیه السلام هستند که جمع آنها ۱۴ معصوم است، پس مهدی اول می آید که پانزدهم است.

و او سپر داوود و شعار وی سپر داوود است در قرآن از آن به سابغات یاد شده است.

﴿أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^(۱)

(و به او گفتیم: زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح

به جا آورید که من به آنچه انجام می دهید بینا هستم!).

مَنْ نَجْمُهُ دَاوُدُ يَعْنِي سِتَارَهُ دَاوُدَ كَيْسَتْ؟ = احمد الحسن

م ن ن ج م ت د ا و د

$$40 = 4 + 6 + 1 + 4 + 4 + 4 + 3 + 5 + 5 + 4$$

ا ح م د ا ل ح س ن

$$40 = 5 + 6 + 8 + 3 + 1 + 4 + 4 + 8 + 1$$

● من هو احمد = ۳۷ ما هو كتاب الله = ۳۷

هو رسول المهدي = ۳۷ هو القرآن الكريم = ۳۷

النبا العظيم = ۳۷

من هو احمد = ما هو كتاب الله = هو رسول المهدي = هو القرآن الكريم = هو النبا العظيم
و بدان که حجت بر خلق کتاب خدا در هر زمان است و حجت از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و قرآن ناطق
در هر زمان است. و وصی رسول الله محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی ابن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام نباء عظیم خواهد بود.
و در این زمان وصی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نباء عظیم است چون که درباره نباء عظیم اختلاف و
خصومت هست.

﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ * أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ * مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾^(۱).

(بگو: آن خبر بزرگ عالم است * شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعتراض می کنید * مرا بر فرشتگان
عالم بالا که خصومت و گفت و گو داشتند علمی نبود).

و خصومت و گفت و گو به علت در آن است. که خصومت بر باب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وصی امام
مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است چرا که وی در ورود به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.

- سوره مریم که مخصوص حضرت عیسی و ذکریا و یحیی عَلَيْهِمُ السَّلَام است.
در اول سوره حروف مقطعه (کهیعض) است. که سر سوره می باشند.

ک ه ی ع ص

۲۰ ۵ ۱ ۷۰ ۹۰ = ۲۴ جمع کوچک

و روشن شد که: کهیعض = جند الله = آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند.

تا جایی که کهیعض = ۲۴ با جمع کوچک = آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام = جند الله است. همان طور که ثابت
شد عدد آن ها ۲۴ است همان طور روشن شد که (کهیعض) دژی در برابر شیاطین انس و جن است
چون نماینده جند الله است.

- حم عسق = احمد

ح م ع س ق

۸ ۴۰ ۷۰ ۶۰ ۱۰۰ = ۲۷۸ = ۲+۷+۸ = ۱۷ جمع بزرگ و به جمع کوچک تغییر پیدا

می کند که عدد اسم (احمد) است و (حم عسق) اول سوره شوری است و سوره شوری دارای علم
زیادی است همان طور که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ذکر کردند و سوره شوری سوره قائم^(۱) و حکم خداست.

﴿أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾. (۲)

(آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند).
و سر آن در ابتدای آن است و وی (حم عسق) که احمد است.

● ﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾. (۳)

(ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است).

و (ص) نهری است که در عرش جریان دارد. (۴)

و یمانی حجر و رکن یمانی نهر موجود در بهشت است که اعمال بندگان از طریق آن پذیرفته می‌شوند (۵) این نهر از عرش آغاز شده و به بهشت می‌رسد و به زمین منتهی می‌شود که یمانی است کسی که پیامبر ﷺ درباره وی فرموده است (اسم وی احمد و عبد الله و مهدی) که مهدی به یمانی و

۱- یحیی بن مسیره الخثعمی از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که شنیدم می‌فرماید: (حم عسق عدد سال‌های قائم است و(قاف) کوهی است از زمرد سبز که دنیا را احاطه کرده است و سبزی آسمان از آن است و علم همه در جمعش است). تأویل الآیات شرف الدین الحسینی ج ۲ ص ۵۴۲- تفسیر البرهان ج ۲۵ مج ۷ ص ۶۴ و آمده (و علم همه چیز در عسق است).

۲- الشوری: ۱۳.

۳- ص: ۱.

۴- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: (... و اما (ص) نهری است در زیر عرش چشمه دارد. و چشمه‌ای است که پیامبر هنگام معراج از آن وضو گرفت). معانی الأخبار ص ۲۲.

- اسحاق بن عمار- از امام کاظم (علیه السلام) در حدیثی نقل می‌کند که: (عرض کردم فدایت شوم (ص) چیست که امر شده از آن غسل گیریم؟ فرمود: (ص والقرآن ذی الذکر) به او امر شد که وضوء بگیرد و قرآن بخواند و نماز بر پا دارد). علل الشرائع ج ۲ ص ۳۳۵.

- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: (سپس به او وحی شد: ای محمد به (ص) نزدیک شو و محل‌های سجود را غسل بده و طهارت کن و برای خدایت نماز برپا کن. رسول خدا نزدیک شد و آن آبی است که از ساق راست عرش نازل می‌شود). الکافی ج ۳ ص ۴۸۵.

۵- صدوق از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: (رکن یمانی در است که از طریق آن وارد بهشت می‌شویم. و فرمود: دارای دری از درهای بهشت از هنگامی که باز شده، بسته نشده است و در آن رودی از بهشت است که اعمال بندگان از آن جا مورد قبول قرار می‌گیرند). من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۰۸.

وزیر امام مهدی علیه السلام است. بنابر این امام مهدی علیه السلام هم مهدی خوانده می شود و هم چنین یمانی، بنابر وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله مهدی خوانده می شود. و الان حساب کن.

ص = ۹۰ و الیمانی و هو المهدي = ۹۰

روشن می شود که: ص = المهدي

و اکنون آنچه به (ص) با مهدی علیه السلام مربوط می شود در قرآن می خوانیم.

﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ * بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ * كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا
وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ * وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ﴾.^(۱)

بیان حق و سداد **جزء دوم** پایان یافت

انصار امام مهدی علیه السلام

در این جا بعضی از حساب ها را از کتاب الکهف و الرقیم جزء اول، کتاب الأبرار نوشته صباح الزیادی انتخاب کردیم.

این مجموعه ای از حساب ها با جمع کوچک می باشد و نویسنده به سؤال (من هو یعنی چه کسی)، و جواب (هو یعنی او) اکتفاء می کند و در نتیجه سؤال و جواب مساوی خواهند بود. از جزئیات صرف نظر کردیم. هر کس جزئیات را خواستار است به کتاب مذکور مراجعه کند.

سؤال	جواب
من هو الیمانی = ۳۶	هو داعی الله = ۳۶
من هو الریاح = ۳۶	هو المندوب = ۳۶
من هو السبیل = ۳۶	
من هو الدابة = ۳۶	

سؤال	جواب
من هو المهدي = ۳۸	هو دابة الأرض = ۳۸
من هو المنتظر = ۳۸	هو الخلیفه = ۳۸
	هو نائب المهدي = ۳۸

سؤال	جواب
من هو بقية الله = ۴۰	هو الركن الشدید = ۴۰
من هو الحارث = ۴۰	هو رسول مبین = ۴۰
من هو الحجّة = ۴۰	هو الذي يلي أمره = ۴۰
من هو محمد = ۴۰	هو الكساء الیمانی = ۴۰

سؤال	جواب
------	------

<p>هو أول المهديين = ٤٥</p> <p>هو معز الأولياء = ٤٥</p> <p>هو وزير المهدي = ٤٥</p> <p>هو طالع المشرق = ٤٥</p> <p>هو الذي شبه لهم = ٤٥</p> <p>هو خاملاً أصله = ٤٥</p> <p>هو المكني بعمه = ٤٥</p>	<p>من هو داعي الله = ٤٥</p> <p>من هو المندوب = ٤٥</p>
---	---

<p>جواب</p> <p>هو رسول المهدي = ٤٦</p> <p>هو الميت الحي = ٤٦</p>	<p>سؤال</p> <p>من هو وكيل الإمام = ٤٦</p> <p>من هو داعي الحق = ٤٦</p> <p>من هو نائب المهدي = ٤٦</p>
--	---

<p>جواب</p> <p>هو الموتور بأبيه = ٤٨</p>	<p>سؤال</p> <p>من هو درع داود = ٤٨</p> <p>من هو المصلح = ٤٨</p> <p>من هو حجة الله = ٤٨</p>
--	--

<p>جواب</p> <p>هو رجل منا أهل البيت = ٤٩</p> <p>هو ذبح عظيم = ٤٩</p>	<p>سؤال</p> <p>من هو الركن الشديد = ٤٩</p> <p>من هو رسول مبين = ٤٩</p> <p>من هو الذي يلي أمره = ٤٩</p> <p>من هو الكساء اليماني = ٤٩</p>
--	---

<p>جواب</p>	<p>سؤال</p>
-------------	-------------

هو احمد الحسن = ٥١	من هو قائم آل محمد = ٥١
هو نائب الإمام المهدي = ٥١	من هو رسول الإمام = ٥١
هو نجمة الصبح = ٥١	من هو الموعود = ٥١
هو ابن الإمام المهدي = ٥١	من هو مذل الأعداء = ٥١
هو بن يس و الذاريات = ٥١	
هو حبل الله المتين = ٥١	

جواب	سؤال
هو صراط مستقيم = ٥٢	من هو بقية آل محمد = ٥٢
هو نجمة الصباح = ٥٢	من هو المهدي الأول = ٥٢
هو فلان بن فلان = ٥٢	من هو المنصور = ٥٢
هو خليفة المهدي = ٥٢	من هو حامل الأصل = ٥٢
هو الذي يهدي إلى الحق = ٥٢	
هو ابن يس و الذاريات = ٥٢	

جواب	سؤال
هو مندوب المنقذ = ٥٣	من هو خليفة القائم = ٥٣
هو العبد الصالح = ٥٣	من هو ناقة صالح = ٥٣
هو الذبح العظيم = ٥٣	
هو المؤيد بجراثيل = ٥٣	

جواب	سؤال
هو المستحفظ = ٥٤	من هو معز الأولياء = ٥٤
هو منقطع النسب = ٥٤	من هو وزير المهدي = ٥٤
هو المستحفظ = ٥٤	من هو طالع المشرق = ٥٤

هو منقطع النسب = ٥٤	من هو الذي شبه لهم = ٥٤ من هو خاملاً أصله = ٥٤ من هو المكنى بعمه = ٥٤ من هو أول المهديين = ٥٤
---------------------	--

سؤال	جواب
من هو الميت الحي = ٥٥	هو حرز فاطمة = ٥٥ هو مقطوع النسب = ٥٥ هو وكيل الإمام المهدي = ٥٥

سؤال	جواب
من هو الموتور بأبيه = ٥٧	هو من ولد الحسين = ٥٧

سؤال	جواب
من هو أول المؤمنين = ٥٩	هو وصي الإمام المهدي = ٥٩ هو وزير الإمام المهدي = ٥٩

سؤال	جواب
من هو احمد الحسن = ٦٠ من هو ابن الإمام المهدي = ٦٠ من هو نائب الإمام المهدي = ٦٠ من هو نجمة الصبح = ٦٠ من هو بن يس والذاريات = ٦٠ من هو جبل الله المتين = ٦٠	هو رسول الإمام المهدي = ٦٠ هو الصراط المستقيم = ٦٠

سؤال	جواب
من هو خليفة المهدي = ٦١	هو القديم الجديد = ٦١
من هو ابن يس و الذاريات = ٦١	هو المقتول المصلوب = ٦١
من هو نجمة الصباح = ٦١	هو الحججة بن الحسن = ٦١
من هو فلان بن فلان = ٦١	
من هو صراط مستقيم = ٦١	
من هو الذي يهدي الى الحق = ٦١	

سؤال	جواب
من هو وكيل الإمام المهدي = ٦٤	هو المولى الذي كان معه = ٦٤
من هو مقطوع النسب = ٦٤	هو الذي يكون له الحمل = ٦٤
من هو حرز فاطمة = ٦٤	هو مندوب الإمام المهدي = ٦٤

سؤال	جواب
من هو أول أنصار المهدي = ٦٦	هو خليفة الإمام المهدي = ٦٦
من هو من ولد الحسين = ٦٦	هو باب الله الذي منه يؤتى = ٦٦
من هو الذي يلي أمره = ٦٦	
من هو الكساء اليماني = ٦٦	

سؤال	جواب
من هو الذي يلي أمره = ٦٧	هو احمد الحسن اليماني = ٦٧
من هو احمد اليماني الموعود = ٨٤	هو صدر الخلائق ذو البر و التقوى = ٨٤

من هو رجل منا أهل البيت = ٥٨	هو اليماني الموعود = ٥٨
من هو وصي الإمام المهدي = ٦٨	هو الذي يلي أمره = ٥٨
من هو وزير الإمام المهدي = ٦٨	هو نذير من النذر الأولى = ٦٨

سؤال	جواب
من هو القديم الجديد = ٧٠	هو المولى الذي ولي البيعة = ٧٠
من هو المقتول المصلوب = ٧٠	
من هو الحجة بن الحسن = ٧٠	
من هو الذي يلوى له الخنك = ٧٠	

سؤال	جواب
من هو المستحفظ من آل محمد = ٩٢	هو المندوب احمد الحسن اليماني = ٩٢
من هو وزير الإمام المهدي الأيمن = ٩٢	
من هو قاطع حبال الكذب و الافتراء = ٩٢	

و از كتاب الكهف و الرقيم ج ١ (كتاب الأبرار) نوشته صباح الزیادی این حساب را با جمع بزرگ می آوریم.

سؤال	جواب
من هو ولي الله = ٢١٣	هو احمد الحسن = ٢١٣

«آنچه از کتاب (الكهف و الرقيم) نوشته صباح الزیادی انتخاب کردیم به پایان رسید.

انصار امام مهدی عليه السلام

(ممكن الله له في الأَرْض)

٧/ محرم الحرام / ١٤٢٧ هـ. ق برابر با دوشنبه / ٨ آبان ماه / ١٣٨٥ هـ. ش

